

# دو فیلسوف شرق و غرب

صدر المتألهین و اینشتین

به قلم

استاد حسینعلی راشد

بامقدمه

استاد دکتر سید حسین نصر



انتشارات اطلاعات

تهران - ۱۳۹۰

سرشناسه: راشد، حسینعلی، ۱۲۸۴-۱۳۵۹  
 عنوان و نام پدیدآور: دو فیلسوف شرق و غرب: صدرالمতألهین و اینشتین / به قلم حسینعلی راشد؛ با مقدمه سید حسین نصر  
 مشخصات نشر: تهران: اطلاعات، ۱۳۹۰  
 مشخصات ظاهری: ۱۴۸ ص.  
 شابک: 978-964-423-850-5  
 وضعیت فهرست نویسی: فیا  
 موضوع: حرکت جوهری  
 موضوع: نسبییت (فلسفه)  
 شناسه افزوده: نصر، حسین، ۱۳۱۲-، مقدمه نویس  
 شناسه افزوده: مؤسسه اطلاعات  
 رده بندی کنگره: ۱۳۹۰ ۲ ر ۲۳ ح ۵۵/ BBR  
 رده بندی دیویی: ۱۸۹/۱  
 شماره کتابشناسی ملی: ۲۵۱۹۱۷۸



انتشارات اطلاعات  
 تهران: خیابان میرداماد، خیابان نفت جنوبی، روزنامه اطلاعات، شماره پستی ۱۱۱۳۲۱۱۱۱  
 تلفن: ۲۹۹۹۲۳۵۵  
 فروشگاه مرکزی: بزرگراه حقانی، روبروی ایستگاه مترو، ساختمان روزنامه اطلاعات، تلفن: ۲۹۹۹۲۳۸۶  
 فروشگاه شماره (۱): خیابان انقلاب اسلامی، روبروی دانشگاه تهران، تلفن: ۶۶۲۶۰۷۲۴

دو فیلسوف شرق و غرب: صدر المتألهین و اینشتین

نوشته استاد حسینعلی راشد با مقدمه استاد دکتر حسین نصر

حروف نگار: وحید ارزین  
 طراحی جلد: رضا گنجی  
 حروف نگاری، چاپ و صحافی: مؤسسه اطلاعات

چاپ اول: ۱۳۱۸  
 چاپ پنجم: ۱۳۹۰  
 شمارهگان: ۳۱۵۰ نسخه  
 قیمت: ۲۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۲۳-۸۵۰-۵ ISBN: 978-964-423-850-5

Printed in Iran همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

## فهرست

- سخن ناشر ..... ۹
- پیشگفتار ..... ۱۱
- مقدمه ..... ۱۷
- ۱- گیتی یا عالم ..... ۱۹
- معنای عالم - آنچه بشر می‌خواهد از عالم بفهمد - خلاصه زحمات فلاسفه - برتری فلاسفه بر باقی مردم - بی‌خبری فلاسفه از حقیقت عالم.
- ۲- نظریات فلاسفه ..... ۲۴
- مساحت عالم معلوم نیست - آغاز و انجام عالم فهمیدنی نیست - ماده عالم یکی است - مجموع عالم دارای یک نظام است و تحت یک مشیت اداره می‌شود - اساس عالم بر وحدت است.
- ۳- ماده نخستین ..... ۲۸
- ماده نخستین محسوس نیست، ولی وجودش قطعی است - عقاید فلاسفه راجع به ماده نخستین - جسم طبیعی - هیولی - اجسام کوچک سخت - اجزای لایتجزی - اتر و غیره.

- ۴- حرکت یا جنبش ..... ۳۳
- مبدأ موجودات مادی حرکت است - اساس نظریه «نسبیت» حرکت است -  
قابلیت ارتعاش اجسام - آنچه از عالم درمی یابیم، درجات مخصوصی از حرکت  
است - اگر حس دیگر می داشتیم، درجات دیگری نیز درمی یافتیم.
- ۵- حرکت در چیست؟ ..... ۳۹
- علم، از کشف جوهر اصلی که در حرکت است، عاجز است - فلسفه، جوهر لطیفی  
فرض می کند که حرکت در آن واقع می شود، نام آن جوهر را «اتر» گذاشته اند.
- ۶- عالم در نظر قدما ..... ۴۴
- واجب و ممکن - ماهیت و وجود - وحدت وجود - اصالت وجود - جوهر و  
عرض - مجرد در مادی - مقوله عرض - کم و انواع آن - کیف و اقسام آن - وضع  
- این.
- ۷- حرکت در نزد قدما ..... ۵۱
- وقوع حرکت در کم و کیف و وضع و این - امتناع حرکت در ۵ مقوله دیگر عرض  
و در جوهر بنا بر رأی قدما - یادآوری به خوانندگان راجع به طرز نوشتن این  
کتاب.
- ۸- نظریه صدر المتألهین ..... ۵۶
- اعتقاد صدر المتألهین به وقوع حرکت در جوهر - حقیقت هر چیز در خارج  
یکی است - وجود ثابت و سیال - وحدت محفوظ است - خلاصه سخن  
صدر المتألهین.
- ۹- نتایج حرکت جوهر ..... ۶۴
- حدوث عالم - حدوث جسمانی روح - معاد جسمانی - ربط متغیر به ثابت -  
زمان.
- ۱۰- زمان ..... ۷۰
- امتداد مکانی و امتداد زمانی - جسم طبیعی و جسم تعلیمی - منشأ فرض زمان -  
عقیده قدما - عقیده «صدر المتألهین» و «اینشتین» راجع به زمان.
- ۱۱- عالم در نظر فلاسفه جدید ..... ۷۶
- شرح حال صدر المتألهین به طور اختصار - دکارت - نظریه دکارت و فلاسفه بعد

- از او راجع به عالم - معتقدین به «نسبیت» - منکوسکی و اظهار عقیده «نسبیت».
- ۱۲- نظریه اینشتین ..... ۸۲
- مدارک نویسنده راجع به نظریه «نسبیت» - سبب تألیف کتاب - علت جمع کردن میان اینشتین و صدرالمآلهین در این کتاب.
- ۱۳- نسبیت ..... ۸۶
- معنای نسبیت به طور کلی - نسبیت، راجع به آنچه با حواس خود ادراک می‌کنیم - نسبیت. راجع به فاصله‌های زمانی و مکانی اجسام که اینشتین می‌گوید.
- ۱۴- زمان - مکان ..... ۹۳
- معانی مکان - حقیقت فضا - فضا از نظر علمی - توجه به زمان - منشأ توجه به زمان - عقاید فلاسفه راجع به حقیقت زمان - مبدأ فرض زمان - زمان و مکان در نظر «اینشتین» - انتشار و استمرار - فاصله انتشاری حوادث - فاصله استمراری حوادث - ملازمه زمان و مکان - نسبی بودن زمان و مکان.
- ۱۵- بُعد چهارم ..... ۱۰۳
- فضای اقلیدسی - بُعد چهارم بودن زمان مطابق نظریه نسبیت - مندرج بودن زمان در مکان - نسبی بودن زمان.
- ۱۶- تواقف ..... ۱۱۱
- معنای تواقف - نسبی بودن تواقف - تواقف صوتی - تواقف نوری.
- ۱۷- مبادی نسبیت ..... ۱۱۹
- کسانی که پیش از «اینشتین» نظریه «نسبیت» را اظهار داشته‌اند - شرح حال اینشتین به طور اجمال - جاذبه عمومی اجسام - ارتباط نسبیت با قانون جاذبه - نفوذ نسبیت در قانون جاذبه - نظریه دیگر «اینشتین» راجع به خط مستقیم.
- ۱۸- سرعت نور ..... ۱۲۵
- قانون کسب سرعت - قانون «دوپلر» ثابت بودن سرعت نور - ارتباط نسبیت با ثبات سرعت نور.
- ۱۹- کوتاه شدن جسم ..... ۱۳۱
- مقصود از کوتاه شدن اجسام - کشف کوتاه شدن اجسام - علت کوتاه شدن اجسام - ارتباط نسبیت یا کوتاه شدن اجسام.

۲۰- خلاصه کتاب ..... ۱۳۸

موضوع کتاب - تعریف کتاب - فایده کتاب - خلاصه کتاب - نتیجه کتاب.

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)

## سخن ناشر

کمتر مُبلغ و واعظی توفیقی یافته که همچون مرحوم استاد راشد برای حدود سه دهه در رادیو سراسری به ایراد سخنرانی مذهبی پردازد و در گذر زمان پیوسته بر شمار شنوندگان و علاقه‌مندانش افزوده شود و با وجود این نفوذ معنوی، باز همچنان واعظ ساده‌ای بماند، در حالی که در علوم اسلامی دست داشت و از استادان مسلم فلسفه اسلامی در سطوح بالا بود. اخلاص و نیت بی‌شائبه این روحانی دانشور که به تأسی از پدر بزرگوارش مرحوم حاج آخوند ملاعباس تربتی با لحنی گرم، دردمندانه هر هفته سخنرانی می‌کرد، سبب می‌شد حرفهای برآمده از جانش، بر دل شنوندگان بسیارش بنشیند و به سهم خود در گسترش اخلاق و معنویت در جامعه مؤثر واقع شود.

او علاوه بر سخنرانی، هر گاه که نیازی می‌دید، دست به قلم می‌برد و در موضوع مورد نظر به بحث و بررسی می‌پرداخت که کتاب حاضر یکی از آنهاست و خوشبختانه انتشارات اطلاعات پیش از این نیز به چاپ و نشر چند اثر دیگر ایشان اقدام کرده است که عبارتند از:

- ۱- فضیلت‌های فراموش شده (شرح زندگی پدر بزرگوارشان مرحوم آخوند ملاعباس تربتی (ره)، چاپ سی و پنجم: ۱۳۹۰)
- ۲- تفسیر قرآن (سوره حمد و بقره؛ چاپ چهارم: ۱۳۸۷)
- ۳- آخرین سخنرانی‌های راشد (چاپ دوم: ۱۳۸۶)
- ۴- مقالات راشد در روزنامه اطلاعات (چاپ دوم: ۱۳۸۷)
- ۵- اسلام و قرآن (چاپ سوم: ۱۳۹۰)

«دو فیلسوف شرق و غرب: صدرالمآلهین و اینشتین» که نمودی از توجه به تمدن جدید و علوم غربی است، تازه‌ترین کتاب آن مرحوم است که توفیق چاپ و نشرش را یافته‌ایم و مایه بسی سپاس و شادمانی است که فیلسوف و مقاله‌نماداری همچون استاد بزرگوار آقای دکتر سیدحسین نصر با وجود اشتغالات علمی فراوان، دیباچه‌ای بر آن نگاشته‌اند.

مقدمه حکیم مقاله دکتر نصر - استاد علوم اسلامی در دانشگاه جرج واشنگتن - از آنجا که فارغ‌التحصیل رشته ژئوفیزیک و دکتر در رشته تاریخ علم هستند و ضمناً از محضر بزرگانی چون استاد سیدمحمدکاظم عصار، علامه رفیعی قزوینی و علامه طباطبایی استفاده کرده‌اند و هم‌اکنون به عنوان یکی از «فیلسوفان زنده جهان» معرفی شده‌اند، حائز اهمیت است. نیازی به گفتن نیست که ایشان به سبب عمق مطالعات علم‌شناسی، فلسفی، اسلامی و دین‌شناسی تطبیقی و تألیف کتابها و مقالات فراوان درباره اسلام، به جهانی‌ترین اندیشمندان مسلمان دنیای معاصر تبدیل شده‌اند و ترجمه آثارشان به زبانهای مختلف گواه این ادعاست.

از لطف استاد نصر سپاسگزاریم و امیدواریم این کتاب نیز همچون سایر آثار مرحوم راشد در افزایش بیش از پیش دانایی و اخلاق‌مداری در جامعه مؤثر باشد.

بمنه و کرمه

## پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

از دهه بیست تا سه دهه بعد هر کس به رادیو گوش فرامی داد و در عین حال به مسائل دینی و اخلاقی علاقه مند بود با نام استاد حسینعلی راشد کاملاً آشنائی داشت و صدای گرم با لهجه خاص او در گوش آن شنونده طنین افکنده بود. بسیاری از افراد مؤمن برنامه هفتگی خود را چنان تنظیم می کردند که بتوانند در محیطی آرام به سخنرانی های شب جمعه او گوش دهند. راقم این سطور، پزشکان و مهندسان فرنگ رفته ای را می شناسد که در خانه می ماندند تا در سکوت اطاق خود سخنان او را استماع کنند و حتی اگر شب جمعه جائی دعوت داشتند، دیر می رفتند تا تمام مطالب او را درک کنند. البته او یکی از وعاظ معروف زمان خود بود، ولی نه یک واعظ عادی. علاوه بر برخورداری کامل از هنر بلاغت و فصاحت و دانش وسیع، استاد راشد مردی کاملاً اخلاقی و معتقد به اصول بود که در تعیین مطالبی که درباره آن وعظ می کرد، هیچ گاه تسلیم زر و زور نمی شد و فقط خود او بود

که موضوعات سخنرانیهای خود را که همگی در جهت اصلاح فرد و جامعه بود انتخاب می‌کرد.

مرحوم راشد واعظی کم‌نظیر بود که سخنانش از دل برمی‌آمد و بر دلها می‌نشست و کلماتش همواره توأم با حقیقت و صداقت بود؛ ولی او تنها واعظ نبود، بلکه عالمی بود پرتوان با دانشی وسیع، نه تنها در زمینه علوم نقلی و دینی، بلکه در علوم عقلی و مخصوصاً فلسفه. او از افراد نادری بود که هم واعظ بود و برای جامعه ایرانی به طور کلی سخن می‌گفت و هم فقیه و حکیم و فیلسوف که در بالاترین سطوح شاگردان را در دانشگاه تعلیم می‌داد. وانگهی او عالمی بود هم فرهیخته و هم وارسته، مردی بسیار اخلاقی که به آنچه درباره آن وعظ می‌کرد، خود عمل می‌کرد.

علاوه بر احاطه کامل به معارف اسلامی، راشد مانند تعداد دیگری از علمای اسلامی از قرن سیزدهم به بعد، به تمدن جدید و علوم و فلسفه‌های غربی نیز توجه داشت. متأسفانه در بین این گروه از علما که معمولاً زبان خارجی نمی‌دانستند، دانش به ماهیت تجدد و تفکر غربی در بیشتر موارد سطحی بود. من باب مثال شیخ محمد عبده یکی از علمداران اصلاح طلبی دینی در جهان تسنن که مدتی نیز مقام شیخ‌الازهری را برعهده داشت، برای چند ماهی به فرانسه سفر کرد و هنگامی که به مصر بازگشت، از او پرسیدند: «چگونه یافتی فرانسه را؟» پاسخ داد: «اسلام احمیل را می‌توان در خیابان‌های پاریس مشاهده کرد!» نظریاتی شبیه به این ارزیابی سطحی را می‌توان در دیگر متفکران اسلامی تجددگرای گذشته نیز یافت؛ مانند سید احمدخان در هند. در ایران خودمان، بودند و هنوز هم هستند وعاظ و نویسندگان دینی و حتی دانشمندانی که چند واژه فرنگی به کار می‌بردند و یا نقل قولی از این یا آن مأخذ فرنگی می‌کردند و می‌کنند تا به شنوندگان و یا خوانندگان نشان دهند که آنها امروزی هستند، هر چند دانش آنان به تفکر جدید غربی

فاقد عمق بود. تا چند دهه اخیر تعداد علمایی که هم در معارف اسلامی راسخ بودند و هم دانش عمیق از علوم و فلسفه غربی داشتند، بسیار کم بود. خوشبختانه این تعداد در ربع قرن اخیر افزایش یافته است؛ ولی تا قبل از این دوره، راقم این سطور فقط دو نفر را از بین علمای شناسد که از هر دو دانش یعنی اسلامی و غربی به صورت عمیق برخوردار بودند: یکی استاد اجل خود بنده مرحوم سید محمد کاظم عصار که قبل از تحصیل در نجف، سالها به تحصیل علوم در غرب پرداخته بود و دیگر دوست عزیزم مرحوم دکتر میرزاهدی حائری یزدی که پانزده سال در غرب به فراگرفتن فلسفه های غربی پرداخته بود.

مرحوم راشد نه از گروه اول بود و نه دوم. بدون داشتن فرصت برای فراگیری زبانهای خارجی و تحصیل منظم علوم و فلسفه های غربی، او می کوشید تا خود را با دانش های جدید آشنا سازد و در این امر با کوشش فراوان مبادرت ورزید. با وجود این سعی صادقانه، برداشت او از تمدن غرب همیشه عمیق نبود. این بنده به خاطر دارد که یک تابستان استاد راشد برای معالجه به سوئیس رفته بود. پس از بازگشت، حقیر از ایشان پرسید: «سفرتان چطور بود؟» گفتند خیلی خوب بود و مرا متوجه امری کرد که: «ما نیز در ایران می توانیم از آن تقلید کنیم و این امر آن است که هنگامی که در زوریخ بودم، دیدم گروه هایی به صورت دسته و کارنیوال وار در خیابان ها در حرکت اند با نظم فراوان. ما هم می توانیم دسته های مذهبی خود را در ماه محرم و صفر به این صورت در آوریم!» به ایشان عرض کردم متأسفانه گرچه در قرون وسطی این دسته ها در غرب جنبه دینی داشته است، در دوران جدید از آن «قداست زدانی» کامل شده است و دیگر این پدیدارها هیچ جنبه معنوی و دینی ندارد و خدا نکند دسته های ما هم به این شکل درآید. با متانتی که استاد راشد داشتند، به سخنان حقیر گوش کردند و پاسخی به آن

به جز یک لبخند ندادند. حقیر با ارزیابی ایشان موافق نبود؛ ولی می دانست که کوشش ایشان در درک تمدن و فرهنگ غرب با صداقت انجام می گیرد، هر چند از عمق کافی برخوردار نیست. ولی در عین حال برداشت های ایشان به اندازه گفتار شیخ محمد عبده و امثاله سطحی نبود.

علاقه مرحوم راشد به درک تفکر غربی و مقایسه آن با اندیشه اسلامی در کتابی که اکنون از مد نظر خواننده محترم می گذرد، کاملاً آشکار است. کوشش این عالم پرجود در خور تحسین است، هر چند به نظر بنده در برخی موارد مطالب ایشان بحث انگیز است. این کتاب در واقع اثری در فلسفه و جهان شناسی تطبیقی است. این نوع تحقیق در وضع فعلی برای مسلمانان ضروریست، ولی برای اینکه از عمق لازم برخوردار باشد، باید محقق که به این نوع مقایسه ها می پردازد، دانش کافی درباره هر دو جنبه مقایسه داشته باشد. استاد راشد کاملاً به فلسفه صدرالمتهلین واقف بود، ولی نمی توان انتظار داشت که به همان اندازه با فرضیه نسبیت و افکار اینشتین آشنائی داشته باشد. کسی که بخواهد درک کامل از نظریه نسبیت داشته باشد، باید اولاً فیزیک نیوتنی را با جنبه ریاضی آن خوب بداند و سپس آگاهی داشته باشد چرا اینشتین معادلات نیوتنی را اصلاح کرد و مقصود او از سخن گفتن از زمان به عنوان «بعد چهارم» چه بود. باید درک کند چرا اینشتین سرعت نور را ثابت می دانست، امری که اخیراً توسط دو فیزیکدان که علیحده فعالیت می کنند، رد شده است و اگر نظریات آنها درست باشد، تمام شالوده نظریه نسبیت از هم فرو خواهد پاشید. با وجود این خیلی قابل توجه است که در فلسفه طبیعیات، خود ملاصدرا نیز از چهار بعد زمان و مکان سخن به میان آورده است و یقیناً همین امر بود که استاد راشد را به سوی تألیف این کتاب کشانید. این تشابه جلب نظر برخی دیگر از حکمای ایران را نیز کرد و به خاطر دارد که هنگامی که با مرحوم علامه طباطبائی درس فلسفه ملاصدرا

را می‌خواندیم، هنگام بحث دربارهٔ حرکت جوهریه، ایشان نیز به این تشابه اشاره می‌کردند؛ ولی تا حدی که راقم این سطور می‌داند، مرحوم راشد بود که برای اولین بار کتابی مستقل در مقایسهٔ حکمت صدرائی و فیزیک نسبیت نگاشت.

به هر حال گرچه این کتاب سخن نهائی دربارهٔ این موضوع نیست، آغاز باب مهمی است که امیدوار است متفکران اسلامی آنرا دنبال کنند. امروزه ضروری‌ترین امر برای اندیشمندان اسلامی فراهم ساختن پاسخ‌هایی کاملاً اسلامی به چالش‌های اندیشهٔ غربی است. هر چند کوشش استاد راشد در این راستا ممکن است از بعضی جهات مورد انتقاد قرار گیرد، شکی نیست که ایشان به رغم عدم دانش کافی دربارهٔ فیزیک جدید، قدم مهمی در این راه برداشتند، راهی که باید توسط آنان که آشنایی کامل هم با فلسفه و حکمت اسلامی و هم دانش‌های غربی دارند، دنبال کنند. به همین دلیل تجدید چاپ این کتاب عملی است ارزنده و درخور تحسین. به همهٔ افرادی که این امر را امکان‌پذیر ساخته‌اند، تبریک گفته و به روان‌شاد مؤلف پیر ارج آن درود می‌فرستد.

والله اعلم بالصواب

سیدحسین نصر

## مقدمه

این نامه که به خوانندگان گرامی تقدیم می‌شود، شرح دو نظریه فلسفی است: یکی نظریه «حرکت در جوهر» که یک نفر فیلسوف شرقی «صدرالمتألهین» شیرازی، آن را اظهار داشت و با دلایل عقلی به اثبات رسانید. دیگری نظریه «نسبیت عامه» که یک نفر فیلسوف غربی «اینشتین» ریاضیدان مشهور زمان ما، آن را با استدلال ریاضی اثبات نمود و از این جهت به نام وی شهرت یافت.

تا چندی پیش، در مجامع و محافل علمی این مرز و بوم که سخن از حکمت و دانش به میان می‌آمد، پیوسته نظریه صدرالمتألهین «حرکت در جوهر» ورد زبان‌ها بود و هر کس در پیرامون آن سخنی می‌گفت به طوری که موضوع تحقیق «حرکت در جوهر» و اینکه مقصود (صدرالمتألهین) چه و استدلالش چیست؟ میدان مسابقه صاحبان فضل و دانش گشته بود؛ تا به درجه‌ای رسید که بسیاری از آنان که از فن حکمت و فلسفه سررشته نداشتند، بس که نام «صدرالمتألهین» و نظریه او «حرکت در جوهر» را شنیده

بودند، یاد گرفته بودند.

در عصر حاضر، در انجمن‌هایی که در اطراف نظریات علما و فلاسفه سخن به میان می‌آید، شاید به ندرت اتفاق بیفتد که نام (اینشتین) بر زبان‌ها جاری نشود. سخنان این ریاضیدان مشهور جهان، توجه کلیه فضلا و دانشمندان را به خود جلب نموده و دقت نظر او در مبادی و مسائل ریاضی و فلسفی موجب اشتها زیاد علمی وی گشته است.

در میان مسائل چندی که از ابتکارات خاطر «اینشتین» به‌شمار می‌رود شاید یک نظریه وی بیش از همه شهرت یافته و دانش‌پژوهان شائق فهمیدن آن باشند... نظریه «نسبیت» که به نسبیت خاصه و نسبیت عامه تقسیم می‌شود.

این نامه، تا اندازه‌ای که ممکن است، به‌طور ساده و مختصر دو نظریه نامبرده را شرح می‌دهد و کوشش می‌کند با عباراتی ساده و روان تا حدی که میسر است، مطالب فلسفی را آسان بیان کند که عموم بتوانند استفاده نمایند.

چون شخصیت «صدرالمآلهین» به‌طور اجمال در آغاز بخش ۱۱ (عالم در نظر فلاسفه جدید) و شرح حال اینشتین به طریق اختصار در بخش ۱۷ (مبادی نسبیت) نوشته شده، و سبب تألیف کتاب و عذرخواهی نویسنده از ناچیزی خود و مدارکی که نظریه نسبیت را از آن مدارک گرفته است در بخش ۱۲ (نظریه اینشتین) ذکر گردیده، از این جهت در مقدمه از تکرار مطالب مذکور صرف نظر شد.

خلاصه کتاب و موضوع و تعریف و فایده و نتیجه آن، در بخش ۲۰ (آخرین بخش کتاب) بیان شده است.